



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شخصیت محوری (بیست و هشتم)

پرسش‌هایی دربارهٔ بحث شخصیت محوری

پرسش دهم

بعضی وقت‌ها به قدری جنبهٔ ماورایی اهل بیت علیهم‌السلام تقویت می‌شود که اموری مثل مجروح شدن علی مولا علیه‌السلام؛ دست بسته شدن و به ظاهرکاری نکردن، شهادت و برای بچه‌ها تضاد ایجاد می‌کند و نمی‌توانند این اتفاق‌ها را با قدرت ماورایی اهل بیت علیهم‌السلام جمع کنند؟ با توجه به این نکته بیان مصائب اهل بیت علیهم‌السلام از چه سنی و در چه حدی باید باشد؟

اول: خدا و بندگی

همان‌طور که پیش از این هم گفته شد، راه اصلی خداشناسی از مسیر معرفت اهل بیت علیهم‌السلام عبور می‌کند. امام باقر علیه‌السلام فرمود: «به وسیلهٔ ماست که خدا شناخته می‌شود».^۱

معرفی خدا و تبیین مفهوم بندگی باید همراه با هم باشند. یعنی وقتی کودک با مفهوم خدا آشنا شد، باید بداند که راه ارتباط این خدا با آفریدگانش بندگی است. بندگی هم یعنی گوش به فرمان بودن.

۱. «بِتَا عَرَفَ اللَّهُ» الکافی، ج ۱، ص ۱۴۵.



یکی از کارکردهای اصلی شخصیت محوری، جا انداختن مفهوم بندگی است. شما در قصه گویی باید با هنرمندی تمام، خدا را در زندگی اهل بیت علیهم السلام نشان دهید. کودک باید در میان این قصه‌ها بفهمد که اهل بیت علیهم السلام هر اندازه هم که عظمت و قدرت دارند، همه را از جانب خداوند دارند. این کار را خود خداوند در آیات متعددی از قرآن عزیزش انجام داده است. در باره حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید:

وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ^۲

و (او را به عنوان) رسول و فرستاده به سوی بنی اسرائیل (قرار داده، که به آنها می‌گوید:) من نشانه‌ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده‌ام؛ من از گل، چیزی به شکل پرنده می‌سازم؛ سپس در آن می‌دمم و به فرمان خدا، پرنده‌ای می‌گردد. و به اذن خدا، کور مادرزاد و مبتلایان به برص [پسی] را بهبودی می‌بخشم؛ و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم؛ و از آنچه می‌خورید، و در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید، به شما خبر می‌دهم؛ مسلماً در اینها، نشانه‌ای برای شماست، اگر ایمان داشته باشید!

۲. سوره آل عمران: ۳، آیه ۴۹.



همان طور که می بینید در این آیه، قدرت های ماورائی حضرت عیسی علیه السلام به صراحت به خدا نسبت داده شده است و در آیات دیگر هم حضرت عیسی علیه السلام به عنوان انسانی معرفی می شود که بنده خداست:

لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَٰهٌ جَمِيعًا^۳

هرگز مسیح از این ابا نداشت که بنده خدا باشد؛ و نه فرشتگان مقرب او (از این ابا دارند). و آنها که از عبودیت و بندگی او، روی برتابند و تکبر کنند، به زودی همه آنها را (در قیامت) نزد خود جمع خواهد کرد.

در جای دیگری خداوند مهربان در باره پیامبران دیگر این طور می فرماید:

قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانُوا يَعْبُدُونَ أَبَاؤَنَا فَأَتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ * قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ^۴

رسولان آنها گفتند: «آیا در خدا شک است؟! خدایی که آسمان ها و زمین را آفریده؛ او شما را دعوت می کند تا گناهانتان را ببخشد و تا موعد

۳. سوره نساء: ۴، آیه ۱۷۲.

۴. سوره ابراهیم: ۱۴، آیه ۱۰-۱۱.



مقرری شما را باقی گذارد! آنها گفتند: «ما اینها را نمی فهمیم! همین اندازه می دانیم که) شما انسان هایی همانند ما هستید، می خواهید ما را از آنچه پدرانمان می پرستیدند بازدارید؛ شما دلیل و معجزه روشنی برای ما بیاورید!». پیامبرانشان به آنها گفتند: «درست است که ما بشری همانند شما هستیم، ولی خداوند بر هر کس از بندگانش بخواهد (و شایسته بداند)، نعمت می بخشد (و مقام رسالت عطا می کند)؛ و ما هرگز نمی توانیم معجزه ای جز به فرمان خدا بیاوریم! (و از تهدیدهای شما نمی هراسیم)؛ افراد باایمان باید تنها بر خدا توکل کنند!

باز هم در این آیه قدرت ماورائی انبیاء در آوردن معجزه به خدا نسبت داده شده است.

دوم: رابطه بندگی و استفاده از قدرت ماورائی

وقتی خدا و بندگی او در مسیر معرفی شخصیت اهل بیت علیهم السلام تبیین شد، پاسخ به این تضاد بسیار آسان می شود: اهل بیت علیهم السلام بنده خدا هستند و هر چه او فرمان دهد، همان را انجام می دهند. قدرت اهل بیت علیهم السلام هدیه خدا به آنهاست. هر گاه خدا به آنها اجازه بدهد از آن استفاده می کنند و هر گاه خدا اجازه ندهد، از آن استفاده نمی کنند.

این تحلیل به بچه ها می فهماند که اگر چه اهل بیت علیهم السلام قدرت های ماورائی داشته اند، اما این بدان معنا نیست که هر وقت دلشان بخواهد از آن استفاده کنند. اهل بیت علیهم السلام بنده خدا بوده و تنها به اجازه خدا از این



قدرت‌ها استفاده می‌کردند.

شما با این تحلیل جنبه دیگری از شخصیت اهل بیت علیهم‌السلام را به کودکان نشان می‌دهید که بسیار زیبا و جذّاب است: بندگی. ترسیم بندگی اهل بیت علیهم‌السلام یکی از عوامل اصلی گرایش بچه‌ها به بندگی است.

شما با قصه‌هایی که از زندگی اهل بیت علیهم‌السلام برای کودکانتان گفته‌اید، شخصیت بزرگی از ایشان را در ذهن بچه‌ها ساخته‌اید. حالا این شخصیت‌ها با همه عظمتی که دارند، در مقابل یک وجود دیگر، سرخم می‌کنند و چشم می‌گویند. او کیست؟ خدا. خدا وقتی این گونه به بچه‌ها شناسانده می‌شود، چنان در مرکز زندگی آنان قرار می‌گیرد که دیگر به این راحتی نمی‌شود از زندگی آنان حذف کرد.

سوم: حکمت و فطرت

ممکن است در این جا پرسید که اگر کودک سؤال کرد: «چرا خدا گاهی اجازه می‌دهد که اهل بیت علیهم‌السلام از قدرت خویش استفاده کنند و گاهی اجازه نمی‌دهد؟» باید چه پاسخی به این سؤال او بدهیم؟

در پاسخ به این پرسش به نکات ذیل توجه کنید:

الف) پیش از این گفتیم که خدا برای بچه‌ها مفهومی قابل درک است؛ زیرا نوع آفرینش انسان به گونه‌ای است که خدا را می‌شناسد.^۵ فطری بودن

۵. این روایت را حفظ کنید. پیش از این هم در باره آن سخن گفته‌ایم. این روایت یکی از کلیدی‌ترین روایات تربیتی از نگاه دینی است. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «موسی بن عمران علیه‌السلام



خدا به معنای پذیرش یک خالق نیست، خدا به عنوان وجودی که همه صفات کمال را داراست در فطرت انسان شناخته شده است. حکمت و دانایی هم یکی از این صفات است. شما وقتی حکمت را معنای می‌کنید و می‌گویید که حکمت یعنی انجام هر کاری به جای خودش و می‌گویید خدا حکمت دارد و ما حکمت بسیاری از دستوراتش را نمی‌فهمیم، برای بچه‌ها حرف عجیبی نیست. هم حکمت داشتن خدا برایش مفهوم است و هم این که قرار نیست ما حکمت هر کاری را که خدا می‌کند را بفهمیم. زیرا چنین تحلیل از خدا و کارهای او با دریافتی که کودک در فطرت خود از خدا دارد هماهنگ است.

این نوع دریافت از خدا موجب می‌شود وقتی کودک در باره دلیل اجازه دادن‌ها و اجازه ندادن‌ها می‌پرسد، شما آن را به حکمت خدا نسبت دهید. او هم به راحتی قبول کند.

بنده در این مباحث اصرار دارم شما فطری بودن خدا را فراموش نکنید و یادتان نرود که بچه‌ها فطرت پاکی دارند، باور کنید که خدا را به صورت فطری می‌شناسند. خدایی که شما به آنها معرفی می‌کنید اگر با آن خدای فطرتشان تطابق داشته باشد، برای پذیرش آن مقاومت نمی‌کنند.

به خداوند عرضه داشت: «پروردگارا! کدام یک از اعمال در نزد تو با فضیلت تر است». خداوند فرمود: «محبت کردن به کودکان. همانا من، آنان را بر توحید خودم آفریده‌ام و اگر آنها را از دنیا ببرم، به رحمت خویش، وارد بهشتشان کنم» (المحاسن، ج ۱، ص ۲۹۳).



پیش از این در بحث روش پاسخ‌گویی به حس حقیقت‌جویی کودک، تعدیل توقع را یکی از نکته‌های اساسی پاسخ‌گویی بیان کردیم و گفتیم که کودک باید بفهمد که پاسخ برخی از پرسش‌ها را نمی‌تواند بفهمد؛ البته وقتی عظمت شخصیت اهل بیت علیهم‌السلام برای کودک تبیین می‌شود و خضوع اهل بیت علیهم‌السلام در برابر خداوند هم بیان می‌شود، حالتی از احساس کوچکی و ذلت در وجود کودک ایجاد می‌شود که با شنیدن جمله‌هایی مثل «خدا گفته»، «دستور خدا بود»، «خدا می‌داند و ما نمی‌دانیم» و ...، در بسیاری از موارد به راحتی قانع می‌شود و سؤالش را ادامه نمی‌دهد.

ج) با توجه به سن و میزان درک و فهم کودک هم می‌توان از این پاسخ استفاده کرد که اگر اهل بیت علیهم‌السلام در همه زندگی خویش از قدرت ماورائی خود استفاده می‌کردند دیگر ما نمی‌توانستیم با آگاهی از زندگی آنها مسیر زندگی خودمان را پیدا کنیم؛ چون ما قدرتی را که آنها دارند نداریم.

چهارم: سن بیان مصائب اهل بیت علیهم‌السلام

بچه‌ها را از همان کودکی به مجلس ذکر اهل بیت علیهم‌السلام ببرید؛ چه مجالس جشن و چه مجالس عزاء؛ اما در بیان قصه‌هایی که در خانه می‌گویید ابتدا از قصه‌هایی شروع کنید که به بیان عظمت ماورائی و صفات اخلاقی اهل بیت علیهم‌السلام می‌پردازد. بیان مصائب اهل بیت علیهم‌السلام را هم به ایام شهادت ایشان واگذار کنید. البته در مجالس بزرگسالان هم نیازی به خواندن مصائب به صورت مکشوف نیست تا چه رسد به کودکان.